

بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی

محمد علی‌نئی *

چکیده

در پژوهش حاضر کارکردهای خانواده در سه بخش کارکردهای زیستی- روانی، کارکردهای تربیتی- اجتماعی و کارکردهای مراقبتی- حمایتی و کنترلی بررسی شده است. توجه عمیق به آموزه‌های اسلام در مورد هر یک از کارکردهای خانواده و عمل به دستورات خداوند و پیروی از سیره و سنت معصومین (ع)، زیست مؤمنانه‌ای را سبب می‌شود که نه تنها در باورها و اندیشه‌ها، بلکه در کردار و رفتار انسان‌ها در زندگی روزمره‌شان متبلور می‌شود. تجلی این تأثیرپذیری از چنین آموزه‌هایی بر کارکردهای خانواده، به شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی در عرصه‌های گوناگون و در نهایت، به توجیه و تفسیر هویت فردی و جمعی آنان می‌انجامد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در صدد نشان‌دادن این نکته است که خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌تواند - با عنایت به کارکردهای آن بر اساس آموزه‌های اسلامی - زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی و هویت‌ساز باشد. در نتیجه چنین امری می‌توان به جامعه‌ای رو به پیشرفت و توسعه نایل آمد که برکات و ثمرات آن، یکایک افراد جامعه، نهادها، گروه‌ها و ساختارهای اجتماعی را در بر خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها

خانواده، کارکردهای خانواده، کارکردهای زیستی - روانی، کارکردهای تربیتی - اجتماعی، سبک زندگی اسلامی.

مقدمه

بشر، از آغاز آفرینش، همواره از سبک و سیاق ویژه‌ای در زندگی پیروی می‌کرده و همواره در طول زندگی با آن روبه‌رو بوده است. «سبک زندگی» در اصطلاح به معنای شیوه زندگی یا سبک زیستن که بازتاب‌دهنده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است و یا عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم طرز زندگی فردی یا گروهی را می‌سازند، است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۵۱).

سبک زندگی از جمله مفاهیم نوپدید است که در حوزه‌های گوناگون مطرح شده و برخی از آن به شیوه و اسلوب زندگی نیز تعبیر کرده‌اند. این واژه نخستین بار توسط «آلفرد آدلر^۱» روان‌شناس آلمانی به کار گرفته شد و در جامعه‌شناسی حاصل بسط تأملات «ماکس وبر^۲» درباره گروه‌های منزلت است که آن را عامل انسجام گروهی می‌دانند. در مجموع، تعاریف موجود درباره سبک زندگی را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد:

الف) تعاریفی که سبک زندگی را از جنس «رفتار» دانسته و ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد را از دایره این مفهوم بیرون می‌دانند؛ این رویکرد در جامعه‌شناسی غالب است؛

ب) تعاریف دیگری که افزون بر رفتار، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز بخشی از سبک زندگی به حساب می‌آورند؛ این رویکرد که وجه فردی آن بیشتر است و بیشتر نوعی نظریه‌پردازی درباره شخصیت آدمی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۷-۷۲). در حوزه روان‌شناسی مطرح می‌شود و متأثر از دیدگاه آدلر است که بر اساس آن، سبک زندگی را می‌توان همه رفتارها، افکار و احساسات آدمی در راستای نیل به اهداف‌اش دانست.

با دقت در این تعاریف می‌توان گفت که در حوزه جامعه‌شناسی، سبک زندگی تنها به رفتار محدود و معطوف می‌شود و جامعه‌شناسان تنها روحیه جمعی و اجتماعی را مطالعه می‌کنند، در حالی که در حوزه روان‌شناسی افزون بر رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را هم در تعریف سبک زندگی دخیل می‌دانند. به‌واقع، افراد در زندگی اجتماعی هویت پیدا می‌کنند، در زمینه اجتماعی هویت‌یابی انجام می‌دهند و از طریق سبک زندگی هویت خود را نشان می‌دهند.

بی‌شک، جوامع انسانی در رویارویی با پدیده‌ها، مسائل و رویدادهای فردی و اجتماعی

1. Alfred Adler
2. Max Weber

ورای خود، شیوه و سبک زندگی یکسانی نداشته و در دوره‌های مختلف از دوره سنتی تا مدرن و پسامدرن، روش‌های گوناگونی را در زیست فردی و جمعی خود دنبال کرده است. نگاهی گذرا به دوره‌های مختلف و تفاوت سبک زندگی هر دوره، ما را بیشتر با این مفهوم آشنا خواهد ساخت.

در جوامع سنتی هرچند مردم فرصت چندانی برای گزینش روش‌های مختلف زندگی داشتند، اما این روش‌ها چندان متنوع نیست و تفاوت چندانی هم در میان روش‌های مختلف وجود ندارد. بیشتر مردم در محیطی که در آن پرورش می‌یافتند، باقی مانده و جوانان نیز چندان از روش‌ها و سبک زندگی والدین خود فاصله نمی‌گرفتند.

در مدرنیته این فرایند رو به تغییر نهاد و در دوره پسامدرن آهنگ این تغییرات شتاب گرفت. زندگی نوین و مدرن با افزایش آگاهی و ایجاد فرصت برای ساختن و دوباره ساختن تاریخ زندگی فردی و اجتماعی معنا می‌یابد (رضوی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳).

مدرنیته با امکانات خود و از طریق ایجاد تنوع، فرد را با انتخاب‌های گوناگون و پیچیده روبه‌رو می‌سازد. به اعتقاد گیدنز، ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر» و «تغییر دائمی رسوم سنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت در اختیار آنان قرار می‌داد، رها شوند. بدین ترتیب فرد را رودر روی تنوع پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد.

در زندگی اجتماعی امروزی، مفهوم شیوه زندگی معنای ویژه‌ای یافته است. هرچه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود و هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۵-۲۰).

در دوره پسامدرنیسم صنعتی شدن، رشد اقتصادی و تمکن مالی فراهم آمده برای فرد و فردیت افراطی هنجارگریز، امکان انتخاب الگوی مصرف آزادانه‌تری را برای افراد فراهم ساخته است. در این دوران، کنشگری فعال و عامل در فرایند تغییر، متکثر و مرکززدایی شده بروز می‌کند. «شدن دائم» مشخصه انسان مندرج در نظریه‌های پست‌مدرنیستی است (رضوی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲ به نقل از Katz, 1999: 646).

شایان ذکر است که انسان‌ها در طول تاریخ و در دوره‌های گوناگون همواره، از سبک‌های زندگی برخوردار بوده‌اند. در جوامع سنتی، مردم فرصت گزینش روش‌های بدیل زندگی را نداشته‌اند، با این وجود، برای بسیاری از مردم بدیل‌ها زیاد نبودند و تفاوت چندانی هم در این بدیل‌ها وجود نداشت. آنان تغییرات بنیادینی در روش‌های زندگی نسل‌های پیش

از خود ایجاد نکردند. بیشتر مردم در محیطی که در آن پرورش یافته بودند، باقی می ماندند و برای یک پسر جوان خیلی بعید بود که کار پدرش را دنبال نکند یا برای دختر جوان که همانند مادرش خانه دار نشود.

در مدرنیته این فرایند دست خوش تغییر شد و در پسامدرنیته روند این تغییر شتاب بیشتری گرفت. امروزه برای بیشتر مردم بسیار دور از ذهن و بعید است که پا جای پای پدرانشان بگذارند. بیش از همه، امروزه بسیاری از جوانان در خانواده هسته‌ای سنتی بزرگ نمی شوند و حتی اگر در خانواده‌ای سنتی پرورش یابند، باز هم بعید است که در همان جایی کار کنند که پدرانشان کار می کردند و چه بسا آن محل کار حتی دیگر وجود نداشته باشد.

به این معنا، مردم امروزه - به تعبیر توماس تسیه (۱۹۸۶)، جامعه‌شناس آلمانی - به لحاظ فرهنگی رها هستند؛ به این معنا که مردم از قید و بندها و الگوهای سنتی زندگی رها می شوند و دیگر برای مردم ممکن نیست که به طور ارادی به روشی زندگی کنند که پدرانشان زندگی می کردند؛ تصمیم‌هایی که پدرانشان در خلال زندگی شان می گرفتند، دیگر کارایی لازم برای انتخاب‌هایی که آنان نسبت به زندگی شان انجام می دهند، ندارند.

این رهاشدگی به لحاظ فرهنگی پدیده‌ای دولبه است. از جنبه مثبت به معنای آزادی فوق‌العاده است. انجام دادن همان کاری که والدین و پیشینیان انجام می دادند، دیگر ضروری نیست. فرصت برای تجربه و تکامل آن قدر زیاد شده که تصور آن برای نسل‌های پیشین غیرممکن بود. از جنبه منفی، رهاشدگی فرهنگی نه تنها به این معناست که به فرد فرصت تصمیم‌گیری شخصی داده می شود، بلکه همچنین به این معناست که فرد باید خودش تصمیم بگیرد. این چیزی است که نسل‌های پیشین مجبور به انجام آن نبودند. در واقع، امروزه مردم خودشان مسئولیت دارند و در وضعیتی چنین کاری را می کنند که در آن نمی دانند انتخابشان آنان را به کجا سوق می دهد. افزون بر این، مردم امروزه بیشتر از همه آگاهند که روش‌های زندگی متفاوتی وجود دارد. مردم با مسافرت و به مدد رسانه‌ها بسیار بیشتر از پیش اطلاع دارند که در بیرون از محیط زندگی شان چه چیزی در حال رخ دادن است و این موضوع انتظارات زیادی را به وجود می آورد. با این وجود، هیچ کس نمی تواند آن چیزی بشود که می خواهد باشد و آگاهی از این که امکاناتی «خارج از آنها» وجود دارد که کسی نمی تواند بدان‌ها دست پیدا کند، می تواند وضعیت دردآوری به وجود آورد (گیبیتز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۰-۱۰۷).

از ویژگی‌های زندگی اجتماعی معاصر، ظهور سبک‌های گونه‌گون زندگی است که با انتخاب‌ها و اعمال فرهنگی نسبتاً ساخت یافته از شرایط مادی و محیطی، شغل، درآمد و زمینه‌های اجتماعی در ساخت آن مداخله دارند (رضوی زاده، ۱۳۸۶: ۴۵).

ویژگی‌های سبک زندگی

سبک زندگی که شیوه زیستن و روش گذران اوقات آدمی است، ویژگی‌هایی دارد. برخی از ویژگی‌های سبک زندگی با اصطلاح‌هایی مانند پاره فرهنگ، شیوه قومی و انواع الگوهای هنجاری - آداب و رسوم، سنت‌ها، اخلاق و قوانین و مقررات اجتماعی - دارای مشترکاتی است و تا حد زیادی قابل انطباق با هم‌اند. در مقابل، برخی دیگر از ویژگی‌های سبک زندگی، آن را از دیگر اصطلاحات متمایز می‌کند.

الف) ویژگی‌های مشترک

برخی از ویژگی‌های مشترک سبک زندگی عبارتند از:

۱. سبک زندگی اموری را در بر می‌گیرد که به زندگی انسان‌ها، اعم از بعد فردی و اجتماعی و مادی و معنوی او مربوط می‌شود: اموری نظیر بینش‌ها و گرایش‌ها که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی و جایگاه‌های اجتماعی و دارایی‌ها که امور عینی‌اند. بر این اساس امور محیطی و به تعبیری فضا و زمان، و امور وراثتی به لحاظ مفهومی از سبک زندگی بیرون‌اند، هرچند بر آن تأثیر می‌گذارند و آن را شکل می‌دهند؛
۲. سبک زندگی همه حوزه‌های رفتاری و جایگاه‌های اجتماعی و دارایی‌ها را در بر می‌گیرد؛ یعنی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای خاص آن؛
۳. سبک زندگی همانند تک‌تک رفتارهای بیرونی و درونی یا دارایی‌ها نیست، بلکه سبک زندگی بر مجموعه‌ای از آنها دلالت می‌کند. همچنین در بعضی موارد سبک زندگی، مجموعه‌ای نظام‌مند از رفتارها و دارایی‌هاست؛
۴. سبک زندگی به عنوان یک الگوی همگرا به معنای وحدت و کثرت توأمان مطرح است. به بیان دیگر، سبک زندگی نوعی هویت است که می‌تواند مرزهای یک هویت را تجسم بخشد.

ب) ویژگی‌های خاص

ویژگی‌های اختصاصی سبک زندگی را می‌توان در دو مورد زیر خلاصه کرد:

۱. سبک زندگی مقوله‌ای فردی و اجتماعی است و به بیان دیگر، هم می‌توان آن را در سطح فردی مطالعه و بررسی کرد و هم در سطح اجتماعی؛

۲. شکل‌گیری سبک زندگی بر محور گرایش‌ها؛ این ویژگی که مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی به حساب می‌آید، الگو یا مجموعه‌ای از رفتارها، وضع‌ها و دارایی‌هایی است که برآمده از سلیقه است.

نکته مهم آن است که با پذیرش سلیقه‌ای بودن زندگی، «انتخابی بودن» آن را پذیرفته‌ایم. معنای انتخاب ربط رفتارها، وضع‌ها و دارایی‌ها به ترجیح‌ها و تمایل‌ها از سوی عاملان است. همچنین با توجه به پنهان بودن «خلاقیت» در مفهوم سلیقه افزون بر گزینش و انتخاب، می‌توان از خلاقیت و ابداع نیز در توصیف سبک زندگی بهره برد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۸).

در نتیجه، می‌توان انتخابی و گزینشی بودن سبک زندگی از یک‌سو و خلاقانه و ابداعی بودن سبک زندگی را از سوی دیگر مایه‌تمایز این مفهوم از دیگر مفاهیم مشابه، مانند فرهنگ، پاره فرهنگ، هویت و شخصیت دانست.

گفتنی است که از نظر اخلاق اجتماعی، انتخاب سبک و شیوه زندگی از حقوق اساسی فرد به‌شمار می‌آیند. آدمی در عین آزاد بودن در انتخاب شیوه زندگی، مسئول نیز هست، به این معنا که با مقایسه شیوه‌های گوناگون زندگی، باید بهترین و مناسب‌ترین شیوه و الگوی زندگی را بیابد و زندگی خود را بر اساس آن سامان بخشد (فناپی، ۱۳۸۴: ۶۳ و ۱۸۶).

عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که برای سبک زندگی برشمرده‌اند. عناصری که زیمل^۱، ویبلن^۲ و وبردر آثار خود از آنان یاد کرده‌اند، عبارتند از: شیوه تغذیه، خودآرایی (انواع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل و شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۵۹).

«گردن»^۳ (۱۹۶۳) مؤلفه‌های سبک زندگی را الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌های مربوط به نقاط متمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ، مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها دانسته است.

بوردیو^۴ (۱۹۸۴) بررسی سبک زندگی را، نخست مطالعه دارایی کالاهای تجملی یا فرهنگی‌ای می‌داند که افراد جمع کرده‌اند؛ مانند خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، نقاشی‌ها،

1. Georg Simmel
2. Veblen
3. Gordon
4. Pierre Bourdieu

کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و سپس، مطالعه فعالیت‌هایی که با آن خود را متمایز نشان می‌دهند، مانند ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی.

سگالن^۱ (۱۳۷۰)، جامعه‌شناس فرانسوی، نیز در جمع‌بندی خود از پژوهش‌هایش در باب سبک زندگی در محدوده مسائل زناشویی سه محور را ارایه می‌کند:

۱. مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)؛
۲. معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اثکا در امور و حوادث و تأثیر این روابط بر نوع گذران اوقات فراغت؛
۳. نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی.

وی در مورد زندگی در حوزه اقتصادی در خانواده نیز به بررسی نحوه انتقال سرمایه‌ها و الگوهای مصرف و تولید پرداخته است (کاویانی، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۷).

کارکردهای سبک زندگی

کارکردهای سبک زندگی را می‌توان در دیدگاه ماکس وبر دنبال کرد. به اعتقاد او، سبک‌های زندگی افزون بر آن که تفاوت بین گروهی ایجاد می‌کنند به برتری‌های منزلتی و طبقاتی نیز مشروعیت می‌بخشند. به باور وی گروه‌ها و منزلت و طبقات از طریق سبک‌های زندگی به گروه‌های مرجع تبدیل می‌شوند و معیارهای قضاوت اجتماعی و ارزیابی اخلاقی را نیز تعریف می‌کنند. شایان ذکر است که این اندیشه‌ها در آثار بوردیو نیز دنبال شده است.

دستاورد دیگر وبر را می‌توان تأکید وی بر کارکرد سبک‌های زندگی در جهت انسجام‌بخشی به محورهای اجتماعی ذکر کرد. در نظر او افرادی که سبک زندگی مشابهی دارند نوعی انسجام گروهی را که برآمده از شباهت در رفتار و الگوی مصرف است، تجربه می‌کنند. این انسجام گروهی خود می‌تواند به «سرمایه اجتماعی» نیز تبدیل شود. همین ویژگی است که سبک زندگی را به یکی از مفاهیم قابل بررسی در نظریه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی بدل می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۰).

دین و سبک زندگی

با مرور ادبیات رابطه دین با سبک زندگی در علوم اجتماعی به دست می‌آید که هم به لحاظ

تجربی سبک‌های زندگی در گذشته و حال از دین تأثیر پذیرفته‌اند و هم به لحاظ نظری و منطقی رابطه تاثیر و تأثر امکان‌پذیر است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۸).

در مطالعه دین و تعامل آن با فرهنگ لازم است تا افزون بر بررسی الگوهای رفتاری که بیشتر دینی تلقی می‌شوند، مانند اخلاق، تجربه‌ها، آیین‌ها و مناسک به دیگر رفتارها در محدوده زندگی روزمره همچون شیوه‌های گفت‌وگو، تعارفات و خریدهای روزانه نیز توجه شود. ایان باربور، فیزیک‌دان و الهی‌دان مسیحی، معتقد است که یک سنت دینی تنها مجموعه‌ای از باورهای عقلی یا آرا و مفاهیم تجربی نیست، بلکه برای پیروان آن، شیوه‌ای از زندگی به شمار می‌آید (باربور، ۱۳۹۲: ۳۱).

تأثیر دین بر سبک زندگی هرچند در زمینه‌های گوناگون تغییر می‌پذیرد، اما ارزش جامعه‌شناختی زیادی دارد. در واقع، می‌توان نخستین مطالعه جامعه‌شناختی جدی درباره تأثیر دین بر سبک زندگی را پژوهش ماکس وبر درباره اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری دانست.

وبر نشان داد که اخلاق پروتستانی چگونه از وضعیت اولیه کالونیستی به وضعیتی تحول یافت که در آن، موفقیت در تکلیف دنیوی می‌تواند نشانه‌ای از برگزیده بودن و رستگاری پنداشته شود (وبر، ۱۳۷۴: ۱۵۶). در واقع، او محدود کردن مصرف به واسطه ارزش‌های اخلاقی و دینی را یک سبک زندگی توصیف می‌کند.

در بحث جایگاه دینی در فرایند شکل‌گیری سبک زندگی می‌توان از الگوی وبر به عنوان الگوی کنش به معنای عام آن بهره گرفت. بر اساس این الگو، تعامل تمایلات و منابع می‌تواند انتخاب‌های فردی و گروهی یا همان کنش را پدید آورد. مجموع این کنش‌ها، الگوهایی را ترسیم می‌کند که می‌توان آن را «سبک زندگی» نامید.

بر این اساس، تمایلات و ترجیحات فردی و جمعی، جهت کنش را تعیین کرده و منابع در دسترس که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی را پدید می‌آورند، بسترساز بروز کنش خواهند بود (تامسون، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

این نتایج در کشورهایی به دست آمده که دین در عرصه عمومی به شدت تضعیف شده است. بنابراین، بررسی تأثیر دین بر سبک زندگی مردم در کشورهایی که حضور دین در عرصه عمومی و خصوصی پررنگ است، برنامه پژوهشی گسترده‌ای پیش روی محققان قرار می‌دهد. در مجموع، می‌توان گفت که سرمایه فرهنگی برآمده از جهان‌بینی و نظام معنایی دین، در کنار نمادهای آیینی و شعائر دینی می‌تواند مجموع پیروان یک دین را به صورت

منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین سلیقه‌ها و ترجیح‌های برآمده از آن یاری دهد (فاضل‌قانع، ۱۳۹۲: ۳۸).

سبک زندگی اسلامی

در چگونگی تأثیر دین بر سبک زندگی و مؤلفه‌های آن باید دید که دین خاص بر سبک زندگی چه تأثیری می‌گذارد. برای مثال، وبر می‌گوید که کالونیسم، انگیزه و اخلاق لازم را برای ظهور سرمایه‌داری و سبک زندگی متناسب با آن پدید آورده است.

آنچه مسلم است جهت‌گیری فرآیند اثربخشی دین از جمله دین اسلام بر سبک زندگی در بالاترین سطح، جهت‌دهی آن به سوی اهداف غایی دین است که دست‌کم این تأثیر، تجلی و جوه یا بخش‌هایی از آموزه‌ها و نمادهای دینی به‌عنوان مؤلفه‌های سبک زندگی است. همچنین غلبه فرهنگ دین معین، مانند دین اسلام می‌تواند وحدت نسبی در سبک‌های زندگی یک جامعه ایجاد کند و در مقابل تکثر آن می‌تواند تکثر سبک‌های زندگی را موجب شود. از آنجا که دین اسلام آئینی فراگیر و فرهنگی-اجتماعی است، می‌تواند به نوعی در هر امر و فرایند فرهنگی-اجتماعی و از جمله سبک زندگی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرگذار باشد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۸-۲۳۰).

این نکته مهم است که سبک زندگی اسلامی افزون‌بر رفتارها و کردارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز در بر می‌گیرد. گرچه دین اسلام به انتخاب افراد در عرصه‌های گوناگون زندگی بها می‌دهد، منتهی آنچه مهم است جهت‌دهی کلی دین به الگوهای رفتاری افراد است که در زندگی روزمره رفتار فرد مسلمان را از غیر مسلمان متمایز می‌کند. باورها و نگرش‌های فرد مسلمان به‌گونه‌ای است که در رفتارها و کردارهایش در سطحی‌ترین لایه‌های زندگی تا عمیق‌ترین لایه‌های آن، نوعی سبک زندگی را رقم می‌زند که ضمن حق انتخاب و آزادی فرد مسلمان در الگوهای رفتاری و فعالیت‌های روزانه، شیوه زندگی را در مسیری مشخص و از پیش تعیین‌شده، به پیش می‌برد، به‌گونه‌ای که نگرش‌ها، ارزش‌ها، عادت‌ها و رفتارهای فرد مسلمان که بنیادهای سبک زندگی وی را تشکیل می‌دهند، سازنده هویت شخصی او هستند.

ادبیات خانواده

خانواده، بنیادی‌ترین و کهن‌ترین واحد اجتماعی است که مبدأ و منشأ پدیدآمدن دیگر واحدهای متوسط و کلان اجتماعی، همچون عشیره، خویشاوندان، قبیله و به‌طور کلی، جامعه

انسانی به حساب می‌آید (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۸۴).

در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، «خانواده» نقش ویژه و بسزا دارد. همه کسانی که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن تأکید ورزیده‌اند. جامعه‌ای که از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، نمی‌تواند ادعای سلامت کند. همچنین بی‌شک، هیچ آسیب اجتماعی‌ای نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۱).

خانواده در طول تاریخ با دگرگونی‌هایی به شکل امروزی خود رسیده است و ثابت شده که این دگرگونی‌ها تحت تأثیر دگرگونی شرایط اجتماعی بوده‌اند (نک: اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۳). پس از آن که خانواده به صورت یک پدیده و سپس نهاد اجتماعی مطرح شد و با نگاه تاریخی توصیف و تبیین در عرصه خانواده صورت گرفت، جامعه‌شناسی خانواده پدید آمد.

تعریف جامعه‌شناسی خانواده

خانواده گروهی از افرادی‌اند که با ارتباطات خویشاوندی به هم پیوند خورده و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند (کیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۴). جامعه‌شناسی به موضوع خانواده به طور مستقل و به عنوان یک علقه اساسی پرداخته است. این امر بدان سبب است که در نگاه جامعه‌شناسان، خانواده یک واحد اجتماعی تمام عیار در نظر گرفته می‌شود. در جامعه‌شناسی، خانواده به عنوان یک نهاد اصلی اجتماعی که حیات ویژه‌ای دارد، با روش عملی مورد پژوهش قرار می‌گیرد و چگونگی پیدایی خانواده و تطوّر و دگرگونی‌های آن در طول تاریخ و نیز مسائل و دشواری‌های خانوادگی و آثار و نتایج اجتماعی برآمده از آن برآورد و بررسی می‌شود.^۱

انواع خانواده

خانواده بر اساس تحقیقات مردم‌شناختی، ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته است و در قالب الگوهای بسیار متنوعی تجلی و ظهور کرده است. عمده‌ترین تقسیم‌بندی ادواری خانواده، انقسام آن به دو نوع هسته‌ای و گسترده است.

خانواده هسته‌ای (nuclear family): واحد اولیه خانواده که شامل والدین و فرزندان می‌شود.

۱. برای آگاهی از تعاریف برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان از خانواده (نک: ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۷۱؛ همو، ۱۳۸۱ (ج): ۱۳۶؛ وثوقی و نیک خلق، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

Burgess and Locke, 1953; Maclver, 1937: 196; Lee and Newby, 1995: 282; Mitchell (ed), 1977: 76

این فرزندان می‌توانند طبیعی یا فرزند خوانده باشند. برخی آن را با خانواده زن و شوهری مترادف می‌دانند، اما به نظر بسیاری از محققان، خانواده زن و شوهری می‌تواند بدون فرزند باشد، حال آن که خانواده هسته‌ای، مستلزم داشتن فرزند یا فرزندان است^۱ (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۷۴). خانواده گسترده (extended family): خانواده گسترده را می‌توان گروهی مرکب از سه نسل یا بیشتر دانست که یا در یک مسکن و یا در نزدیکی یک‌دیگر زندگی می‌کنند. این خانواده شاید پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، برادران و همسرانشان، خواهران و شوهرانشان، عمه‌ها و خاله‌ها، عموها و دایی‌ها، خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها را نیز در برگیرد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۶).

سرمایه اجتماعی خانواده

سرمایه اجتماعی حاصل ارتباط دو انسان است که هر آن در حال زایش و گسترش است و به دریای ارتباطات تبدیل می‌شود (شکر بیگی، ۱۳۸۹: ۲۱۸). اثر مهم سرمایه اجتماعی ایجاد سرمایه انسانی در نسل بعد است. سرمایه اجتماعی هم در خانواده و هم در اجتماع، نقش مهمی در ایجاد سرمایه انسانی در نسل حال ظهور ایفا می‌کند. به‌طور کلی در بررسی عوامل گوناگون توفیق شاگردان در مدرسه، در «زمینه خانوادگی» حیطه یگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که از لحاظ تأثیر از مدرسه متمایز است.

«جیمز کلمن^۲ ضمن آن که زمینه خانوادگی را از نظر تحلیلی به سه جزء قابل تفکیک، یعنی سرمایه مالی، انسانی و اجتماعی تقسیم می‌کند، توضیح می‌دهد که سرمایه مالی کمابیش بر اساس میزان ثروت یا درآمد خانواده سنجیده می‌شود و این نوع سرمایه فراهم‌آورنده منابع فیزیکی‌ای است که می‌توانند به موفقیت دانش‌آموز در مدرسه کمک کنند. سرمایه انسانی نیز کم و بیش بر اساس تحصیلات والدین سنجیده می‌شود و بالقوه یک محیط شناختی پیرامون فرزندان به وجود می‌آورد و ایشان را در یادگیری یاری می‌دهد. سرمایه اجتماعی خانواده نیز روابطی است که بین بچه‌ها و والدین آنان برقرار می‌شود.

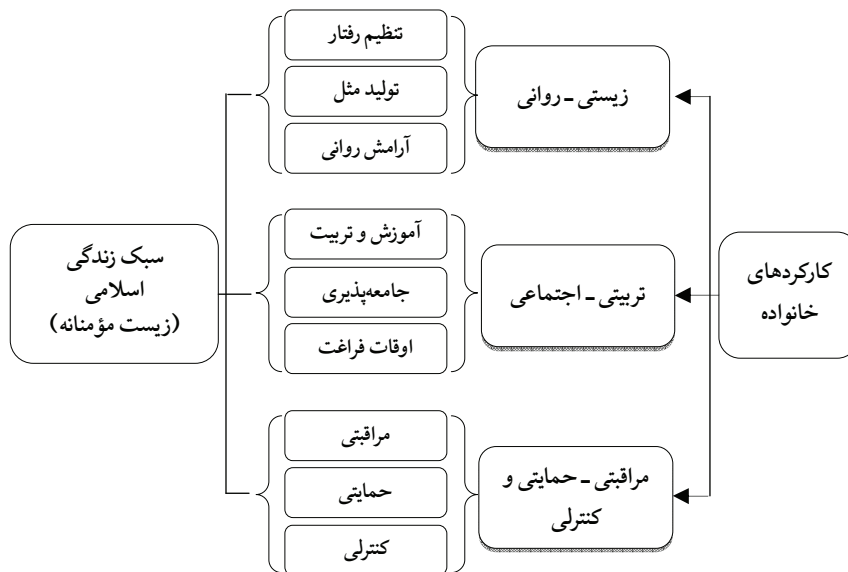
به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی موجود در درون خانواده که موجب می‌شود سرمایه انسانی بزرگ‌ترها در دسترس کودک قرار گیرد، هم به حضور بزرگ‌ترها در خانواده و هم به توجه آنان به کودک بستگی دارد. به باور وی غیبت بزرگ‌ترها کمبودی ساختاری در

۱. همچنین، نک: بستان، ۱۳۹۰: ۵۶؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۸۵.

سرمایه اجتماعی خانواده است. او با اشاره به آزمون‌ها و نمونه‌گیری‌هایی که در مورد سرمایه اجتماعی خانواده صورت گرفته است، تصریح می‌کند که داده‌ها به روشنی حاکی از آن‌اند که سرمایه اجتماعی در خانواده منبعی برای فرزندان خانواده است، درست همان‌طور که سرمایه‌های مالی و انسانی چنین‌اند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۱-۷۸).

کارکردهای خانواده

خانواده در الگوهای متنوع آن، همواره کارکردهای گوناگونی داشته است. از نگاه جامعه‌شناسی برخی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده عبارت‌اند از: تنظیم روابط جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، آموزش و تربیت، جامعه‌پذیری، عطف و همراهی، تأمین پایگاه اجتماعی، کنترل اجتماعی، برآوردن نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، پرکردن اوقات فراغت، رشد و تثبیت شخصیت، استمرار تضادهای اجتماعی و ایجاد تغییرات اجتماعی. در این پژوهش کارکردهای خانواده را در سه بخش کلی بیان و بررسی شده و به اجمال، دیدگاه اسلام با دقت و تأمل آیات الهی و سخنان پیشوایان مطرح خواهد شد و بر این اساس، تاثیر خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی یا زیست مؤمنانه مشخص خواهد شد. الگویی که برای پژوهش در نظر گرفته شده است، در قالب نمودار زیر ارائه می‌شود.



نمودار (۱): کارکردهای خانواده

تأثیر کارکردهای خانواده بر شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی

۱. کارکردهای زیستی - روانی خانواده

در این بخش آن دسته از کارکردهای خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد که به طور اساسی جنبه زیست‌شناختی دارند، هر چند معانی و آثار اجتماعی گسترده‌ای نیز به همراه دارند. گفتنی است کارکردهای زیستی- روانی در نهاد خانواده می‌تواند بر شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی تأثیر بگذارد. این کارکردها عبارتند از: تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل و آرامش روانی.

الف) تنظیم رفتار جنسی

انسان‌ها مانند دیگر جانوران از یک میل جنسی نیرومند برخوردارند که برای ارضای آن به طور طبیعی به سوی جنس مخالف کشیده می‌شوند. تفاوت انسان با دیگر گونه‌های جانوری در این است که آدمی همواره با ازدواج به روابط جنسی خود نظم و نظام بخشیده و از هرج و مرج جنسی جلوگیری کرده است. بر این اساس است که جامعه‌شناسان تنظیم رفتارهای جنسی را یکی از کارکردهای اساسی خانواده برشمرده‌اند (بستان، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

یکی از مهم‌ترین دلایل این که در ادیان و به‌ویژه از، زنای با محارم نهی شده است، پرهیز از درهم آمیختگی نقش‌ها و نسل‌ها است تا خانواده در چارچوب خاص خود شکل بگیرد. از میان ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بُعد جنسی زندگی خانوادگی معطوف کرده و این امر را مقدس شمرده است. شهید مطهری ضمن بیان اهمیت دادن اسلام به ازدواج و تبیین قوانین اسلام با توجه به نیازهای انسان در عصر حاضر بیان می‌کند که دین اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی، دارای آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یک‌دیگر باشد. در این امور زن یا مردی که کوتاهی کند، مورد سرزنش و نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۶۶).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان بر این اعتقاد است که آفرینش انسان چنان بوده که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یک‌دیگرند و هریک به‌تنهایی ناقص و نیازمند دیگری‌اند. این نیاز و احتیاج موجب می‌شود که زن و مرد به‌سوی یک‌دیگر حرکت کنند و سکونت و آرامش یابند. وی این امر را از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت می‌داند که ساختمان جامعه بشری بر آن استوار می‌شود و موجب پیدایی تعاون و

همکاری میان افراد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۸۵).

برای آن که رفتار جنسی که بر آمده از میل و غریزه جنسی است در چارچوب قواعد و نظم خاص قرار گیرد، باید شرایط ازدواج دختران و پسرانی که آمادگی لازم برای زندگی مشترک دارند، فراهم شود و با مقابله با سخت‌گیری‌های بی‌جا و قوانین دست و پا گیر ازدواج، بتوان نیاز جنسی و ارضای طبیعی زن و مرد را در جامعه فراهم آورد و از هرج و مرج جنسی و دوستی‌های بی‌ضابطه جلوگیری کرد. برای این امر افزون بر ضرورت همکاری اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر با مسئولان فرهنگی و دینی، تغییر در ساختارهای نهاد خانواده متناسب با آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و سهل‌گیری در امر ازدواج لازم است.

ب) تولید مثل

تولید مثل یکی دیگر از کارکردهای زیست‌شناختی خانواده است که بقای نوع و نسل بشر را تضمین می‌کند. تولید مثل در خانواده، افزون بر اهمیتی که از نظر بقای نسل انسانی دارد، آثار اجتماعی دیگری همچون مشروعیت‌بخشی به فرزندان و تعیین پایگاه اجتماعی آنان نیز دارد. مشروعیت‌بخشی به فرزندان و به تعبیر دیگر، تأمین پدر شرعی برای آنان، خود آثار اجتماعی دیگری مانند انتقال منظم ارث و تداوم نظام خویشاوندی را در پی دارد (بستان، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

اسلام نیز بر لزوم مشروعیت فرزندان و آثار آن به‌ویژه پذیرش مسئولیت تربیت وی از سوی والدین، انتقال نظام مند ارث و تداوم شبکه‌های خویشاوندی، تأکید کرده است. امام جعفر صادق (ع) در پاسخ به شخصی که علت حرمت زنا را پرسیده بود می‌فرماید:

خداوند به جهت مفاسدی که در زنا است، از جمله زوال نظام ارث و قطع شدن سلسله نسب اشخاص، آن را حرام کرده است. چه بسا زنی که مرتکب زنا شده، نمی‌داند بارداری او مربوط به رابطه جنسی با کدام مرد است و فرزندی که متولد شده پدرش را نمی‌شناسد و در نتیجه از نعمت پیوند خویشاوندی و آشنایی با نزدیکان بی‌بهره خواهد بود (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ۲۵۲).

گفتنی است اثر دیگر تولید مثل در خانواده، تعیین پایگاه اجتماعی فرزند است. جامعه‌شناسان چندین عامل انتسابی (غیر اکتسابی) را در تعیین پایگاه اجتماعی افراد، یعنی موقعیتی که در سلسله مراتب اجتماعی به دست می‌آورد، دخیل دانسته‌اند. این عوامل عبارتند از: طبقه، نژاد، قوم، جنس، سن و تا اندازه‌ای دین و مذهب. بی‌شک، خانواده‌ای که شخص در آن متولد

می‌شود، شماری از این ویژگی‌ها را به وی منتقل می‌سازد و از این طریق، پایگاه اجتماعی او را مشخص می‌کند.

به نظر می‌رسد اسلام تفاوت افراد در پایگاه اجتماعی منتسب و تأثیر خانواده در تعیین‌بخشیدن به این پایگاه را در بیشتر موارد، به‌عنوان یک واقعیت، مفروض گرفته است. قرآن کریم از مسئله تفاوت پایگاه اجتماعی در جایی که از عوامل اقتصادی سرچشمه گرفته باشد به «اختلاف درجات» یاد می‌کند و با نسبت دادن آن به خالق هستی، آن را در ردیف سنت‌های اجتماعی قرار می‌دهد (نک: سوره زخرف: ۳۲). با این همه، بهره‌گیری ناعادلانه از عوامل یاد شده از دیدگاه اسلام مردود است (بستان، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

تولید مثل از کارکردهای مثبت زیستی خانواده به‌شمار آمده و برای تضمین نسل مسلمانان و بقای جوامع اسلامی، توجه به تولید مثل و افزایش جمعیت اهمیت ویژه‌ای دارد. نکته مهم در استمرار شبکه‌های خویشاوندی در میان مسلمانان به جهت فرزندآوری و تولید مثل، توجه به کیفیت و تربیت فرزندان و پرورش نسل در کنار کمیت در افزایش جمعیت است تا جامعه از آسیب‌های بی‌توجهی به فرزندآوری صرف خانواده‌ها و عدم توجه به پرورش و تربیت فرزندان در امان بماند.

ج) آرامش روانی

از اهداف مهم ازدواج را می‌توان به‌دست آوردن آرامش روانی و سکون قلبی و برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک زن و شوهر دانست. خداوند در قرآن کریم با تعبیر «رحمت» و «مودت» چنین فرموده است:

از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است» (سوره روم: ۲۱).

همچنین در آیه‌ای دیگر فرموده است:

اوست خدایی که شما را از نفس واحدی آفرید و همسران را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد (سوره اعراف: ۱۸۹).

در نتیجه برقراری رابطه میان زن و شوهر و به تعبیر دیگر، کشش آنان نسبت به یک‌دیگر بر سه عامل مبتنی است:

۱. نشانه و هم‌شکلی آنان در جنبه‌های جسمانی و روانی که چیزی بیش از هم‌نوعی آنان است.

۲. تفاوت‌های جسمی و روانی زن و شوهر که البته، به ساختارهای هورمونی و جسمی باز می‌گردد و این تفاوت‌ها سبب می‌شود تا زن و مرد به هم جذب شده و باهم انس گیرند. افزون بر این، زمینه مکمل بودن شخصیت آنها برای یک‌دیگر را فراهم می‌کند. نشانه و مکمل بودن نیازها، دو عامل مهم در جاذبه میان فردی است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۵۶-۲۶۱).

۳. نیاز پیوندجویی در انسان؛ زن و مرد، محرک مثبت برای یک‌دیگر به‌شمار می‌روند و هنگام بروز مشکلات همراه و حامی عاطفی یک‌دیگرند. زن و مرد با پیوند به هم از ناراحتی‌های برآمده از عدم اطمینان به آینده کاسته و رابطه آنان با یک‌دیگر، ضمن ستایش و تمجید یک‌دیگر نیازهای روحی و عاطفی را برآورده می‌سازند (سالاری فر، ۱۳۹۱: ۵۴).

از کارکردهای مهم و اساسی زیستی-روانی خانواده به دست آوردن آرامش و مودتی است که در سایه ازدواج زن و مرد شکل می‌گیرد. این کارکرد مثبت خانواده که در آموزه‌های دینی با تعبیر «مودت و رحمت» به آن اشاره شده است، سبب تفاهم و محبت همسران در زندگی زناشویی می‌شود.

رابطه آرامش‌بخش زن و شوهر که موجب جذب آنان به یک‌دیگر با پیوند زناشویی می‌شود و بستر مکمل بودن شخصیت آنان را فراهم می‌کند و به شکل‌گیری خانواده‌ای سالم منطبق بر ارزش‌ها و آرمان‌های دینی می‌انجامد و در نهایت سود آن به جامعه اسلامی بازگردد و زمینه توسعه پیشرفت را فراهم می‌سازد.

توجه به هر یک از کارکردهای زیستی-روانی در خانواده و توجه ویژه‌ای که اسلام به آن دارد، می‌تواند سبک زندگی منطبق بر دستورهای اسلامی را شکل بدهد.

شایان ذکر است برای از بین بردن فاصله و رخنه‌ای که در کارکردهای مثبت زیستی-روانی رخ می‌دهد، می‌توان و باید با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و با ارائه آموزش‌های ضروری به هر یک از زوجین در هنگام ازدواج - از سوی مراجع ذی‌صلاح دینی و فرهنگی - به ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های لازم در زمینه چگونگی تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل و فرزندآوری و به دست آوردن آرامش روانی و سکون قلبی و درونی کمک کرد.

۲. کارکردهای تربیتی-اجتماعی

در این جا چند کارکرد مهم خانواده در زمینه تربیتی و اجتماعی آورده می‌شود. با توجه به

آموزه‌های اسلام و روایات معصومین (ع) درباره هر کدام از این کارکردها تأثیر آن را در شکل‌گیری زیست مؤمنانه یا سبک زندگی اسلامی شاهد خواهیم بود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین کارکردهای تربیتی-اجتماعی خانواده اشاره می‌شود.

الف) آموزش و تربیت

خانواده از گذشته محل تعلیم و تربیت فرزندان بوده است. در خانواده گسترده قدیمی آموزش کودکان توسط والدین، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها صورت می‌گرفته است و این آموزش‌ها بیشتر با فراگیری قرآن کریم و کتاب‌های دینی و مذهبی آغاز می‌شد. افزون بر آموزش‌های مذهبی، خانواده با انتقال آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی و مذهبی و به‌طور کلی فرهنگ، در تربیت فرزندان و اجتماعی کردن آنان نقش بسزایی داشته و دارد. همه ادیان درباره تعلیم و تربیت کودکان به خانواده‌ها توصیه‌هایی کرده‌اند، اما اسلام به مسایل جزئی تعلیم و تربیت توجه کرده و نگاه ویژه‌ای دارد. از نظر اسلام، تعلیم و تربیت کودک، گام به گام انجام می‌گیرد و نخستین گام در خانواده برداشته می‌شود به گونه‌ای که تا آخرین گام در کنار مدرسه و معلم و دیگر امکانات، همراه کودک کان و نوجوانان خواهد بود (بهشتی، ۱۳۷۷: ۲۴۱).

در سیره معصومین (ع)، تربیت کودک پیش از تولدش، یعنی از زمان انتخاب همسر و ازدواج آغاز می‌شود. با انتخاب همسر تقریباً قانون تربیت رقم می‌خورد؛ زیرا عوامل مؤثر در تربیت، غیر از فطرت که در اختیار آدمی نیست، یا عوامل وراثتی هستند یا محیطی که با انتخاب همسر، پرونده عوامل وراثتی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته خواهد شد؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهد.

در میان این دو محیط، «خانواده» به دلیل آن که کودک حساس‌ترین زمان رشد و تربیت خود را در آن می‌گذراند، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶). به دلیل اهمیت تأثیر تربیتی خانواده است که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود جایگاهی مناسب انتخاب کنید» (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۹: ۱۴؛ نهج الفصاحه، ش ۱۱۳).

بر این اساس است که آموزه‌های اسلام به‌جهت نقش اساسی و زیربنایی خانواده، به‌ویژه نقش مادر در تربیت و آموزش فرزندان که به شکل‌گیری سرمایه انسانی می‌انجامد، تأکیدهای اساسی و فراوان دارد.

اهمیت این مسئله تا آن اندازه است که اسلام برای پیش از بارداری، دستورهای ویژه در مورد تغذیه مادر، اخلاق وی و نوع رابطه با دیگران - همسر، آشنایان، غریبه‌ها - دارد تا جنین در محیطی سالم و به دور از هر گونه رذیله اخلاقی و در شرایط کامل سلامت جسم و روح شکل بگیرد. سپس اسلام دستورهای خاصی برای مادر در دوران بارداری تدارک دیده است تا رشد و نمو جنین در بهترین شرایط صورت بگیرد. زمانی که فرزند به دنیا آمد، آموزه‌های اسلام برای هر مرحله از رشد و تکامل برنامه‌های ویژه‌ای را در باب تعامل کودک با پدر و مادر، آشنایان، دوستان و دیگران در نظر گرفته است تا پایه‌ی اولیه سرمایه اجتماعی در درون محیط خانواده به بهترین نحو شکل بگیرد (علینی، ۱۳۹۱: ۳۱).

توصیه‌هایی که اسلام به پدران و مادران در زمینه‌ی تعلیم و تربیت فرزندان کرده است و گاه با تعبیر «حقوق فرزند» بیان شده است، از اهمیت و جایگاه مهم این موضوع حکایت دارد. در روایات اهل بیت (ع) برای فرزند حقوقی بر عهده والدین گذارده شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. انتخاب نام نیکو برای فرزند؛
۲. سرزنده و گرامی داشتن مادر او؛
۳. توجه به انتسابش به والدین؛
۴. اهتمام به بهداشت و نظافت او؛
۵. تعلیم و تربیت فرزند؛
۶. تغذیه مناسب فرزند؛
۷. مهرورزی به فرزند؛
۸. اکرام فرزند؛
۹. یاری دادن فرزند در انجام کار نیک (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

گفتنی است آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود این است که بیشترین تأکید اسلام در زمینه‌ی تعلیم و تربیت فرزندان در محورهای اعتقادات، اخلاق، آداب و مناسک دینی است. در محور اعتقادات می‌توان به تأکید اولیای دین بر شروع زود هنگام آموزشی عقاید صحیح به فرزندان اشاره کرد.

۱. در این مورد می‌توان به رساله‌ی الحقوق امام سجاد (ع) رجوع کرد.

در این زمینه امام جعفر صادق (ع) فرموده است:

در آموزش احادیث دینی به کودکان و نوجوانان خود اهتمام ورزید، پیش از آن که مرجئه [یکی از فرقه‌های انحرافی] بر شما پیشی گیرند و عقاید باطل خود را به آنان القا کنند (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۵: ۱۹۶).

در مورد اهتمام اسلام به تربیت اخلاقی فرزندان می‌توان به نصایح اخلاقی لقمان حکیم به فرزندش (سوره لقمان: ۱۳-۱۹) و توصیه‌های اخلاقی امام علی (ع) به فرزندش، امام حسن (ع) (نهج البلاغه، نامه ۳۱) اشاره کرد.

در محور آداب دینی نیز می‌توان به آموزش قرائت قرآن کریم و آداب پسندیده به فرزندان که از جمله حقوق فرزند بر پدر به‌شمار آمده است، اشاره کرد (همان، حکمت ۳۹۹) در مورد آداب و سنن دینی می‌توان چنین گفت که به‌طور کلی دو دسته آثار جسمانی و روانی بر آداب و سنن مترتب است که بر اساس آن آداب دینی به سه بخش تقسیم شده‌اند:

۱. آدابی که آثار جسمانی آن غالب است. مانند: ختنه کردن، تراشیدن سر کودک و پوشش نوزاد؛

۲. آدابی که آثار روانی آن غالب است. مانند: اذان و اقامه گفتن در گوش راست و چپ کودک، دعا برای او و انتخاب نام نیک؛

۳. آدابی که هر دو آثار جسمانی و روانی را دارند، مانند: دقت در انتخاب همسر، آداب معاشرت، عقیقه و صدقه (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۶۲).

در محور مناسک عبادی، اهتمام ویژه‌ای به آشنا کردن فرزندان با عبادات به‌ویژه نماز صورت گرفته است. به والدین توصیه شده که با رعایت نرمی و مدارا و برای تمرین و آمادگی، فرزندان خود را از هفت سالگی به نماز و از نه‌سالگی به روزه امر کنند (بستان، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

همچنین در آموزه‌های اسلامی افزون بر تربیت دینی به جنبه‌های دیگری از تعلیم و تربیت فرزندان نیز توجه شده است؛ مواردی مانند آموزش خواندن و نوشتن به فرزندان (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵: ۱۶۶) آموزش شنا و تیر اندازی (حرّ عاملی، ۱۳۷۶: ج ۱۵: ۱۹۹) همبازی شدن با فرزندان خردسال (همان: ۲۰۳).

لازم به ذکر است که رعایت نکات پیش‌گفته می‌تواند نقش بسزایی در رشد شخصیت فرزندان و آمادگی آنان برای پذیرش نقش‌های اجتماعی در سنین بزرگسالی داشته باشد.

در مورد عوامل زمینه‌ساز تربیت صحیح فرزندان در خانواده؛ چهار روش تربیتی در سیره

معصومین (ع) بیان و بررسی شده است.

۱. محبت: نیاز کودک به محبت و تأمین آن از سوی والدین اساس و پایه تربیت او را شکل می‌دهد. بر اساس سیره تربیتی معصومین (ع)، محبت و مهر ورزیدن به کودکان یک اصل است و آنان محبت به کودکان را عبادت می‌دانند. بر این اساس است که پیامبر (ص) هر روز صبح بر سر فرزندان و نوه‌های خویش دست محبت می‌کشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۹۹؛ ۱۰۴) اهمیت این امر به گونه‌ای است که مالک می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) به دیدار انصار می‌رفت و به کودکان آنان سلام می‌کرد و دست بر سر آنان می‌کشید و برایشان دعا می‌کرد (صالحی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۷۰) و نیز حضرت در همین راستا فرموده‌اند که فرزندان را دوست بدارید و یا آن که فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳۱) و همچنین فرموده‌اند: نگاه محبت‌آمیز پدر به چهره فرزند عبادت است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۷۰).

از آنجا که نیاز به محبت یکی از نیازهای اساسی انسانی است، بر آورده شدن آن دارای آثاری از جمله اعتدال روحی-روانی کودک، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، آشنایی با روش مهرورزی و پیشگیری از انحرافات است.

۲. تأمین امنیت: با عنایت به این که نیاز به امنیت از نیازهای اساسی انسان به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی است، تأمین آن از سوی پدر و مادر و این که تکیه‌گاه و پشتوانه‌ای برای فرزندان باشند، سبب می‌شود تا فرزندان به ابتکار، خلاقیت و نوآوری رو آورند. بر این اساس است که ائمه معصومین (ع) به تأمین امنیت فرزندان در خانه اهمیت می‌دادند.^۱

۳. تکریم و احترام: یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان، نیاز به احترام و تکریم به‌ویژه در مورد کودکان و فرزندان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «به راستی ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم» (سوره اسراء: ۷۰). در سیره معصومین (ع) نیز تکریم و احترام کودکان با شیوه‌هایی مانند قیام و استقبال در برابر فرزندان به هنگام ورود آنان به مجلس، سلام کردن به کودکان، با احترام صدا کردن و عیادت از کودکان مریض و مهم‌تر از همه شخصیت‌دادن به کودکان و فرزندان خود نشان داده شده است.^۲

۴. بازی: بازی برای کودک یک نیاز طبیعی است که موجب رشد جسمی، ذهنی، زبانی و

برای نمونه و برای آشنایی بیشتر با سیره پیامبر (ص) در تأمین امنیت زید بن حارثه، (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۲۱۵).

۲. در مورد سیره پیامبر (ص) در تکریم و احترام کودکان، نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۵؛ ج ۷۱: ۳۷؛ حکیمی، ۱۳۹۲،

اجتماعی او خواهد شد. سیره معصومین (ع) نشان‌دهنده اهمیت بازی کودکان به‌ویژه در دوران نخست‌زندگی و همچنین شرکت بزرگسالان در بازی آنان است. بر این اساس، پیامبر اکرم (ص) گاهی بین کودکان خود، مسابقه دو و کشتی برگزار می‌کرد. امام صادق (ع) نیز در اهمیت بازی کودکان می‌فرماید: «بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند و پس از آن هفت سال او را تعلیم و تربیت کن (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۱۹۴) امام علی (ع) نیز فرموده‌اند است: «کسی که فرزندی دارد باید با او کودکی کند (همان: ۲۰۳).

چون که با کودک سر و کارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد
بازی با کودک افزون بر این که وسیله‌ای برای رشد همه‌جانبه و هماهنگ کودک است، بسیاری از مشکلات روانی-عاطفی وی را حل خواهد کرد و موجب بروز شخصیت او خواهد شد (داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۶).

نخستین و مهم‌ترین کارکرد مثبت تربیتی-اجتماعی، کارکرد تربیت و پرورش صحیح و درست فرزندان در کنار آموزش و فراگیری دانش‌های مورد نیاز آنان است. برای تأمین این کارکرد اساسی، ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های پدر و مادر به‌عنوان عاملان تربیت فرزندان در محیط خانواده و آراسته‌بودن آنها به فضایل اخلاقی ضروری است تا با علم و عمل خویش بتوانند به‌خوبی از عهده این مهم برآیند و سرمایه انسانی ارزشمندی را برای ورود به جامعه اسلامی منطبق با سبک زندگی اسلامی و ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم سازند.

ب) جامعه‌پذیری

منظور از اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری (socialization) آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ-ارزش‌ها و هنجارهای آن-انطباق می‌یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۵۰). آنتونی گیدنز اجتماعی شدن را فرایندی می‌داند که به‌وسیله آن از طریق ارتباط با انسان‌های دیگر، کودک ناتوان به تدریج به انسانی آگاه، دانا و با مهارت در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده است، تبدیل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۱: ۸۶).

همچنین عوامل اجتماعی شدن زمینه‌ها یا گروه‌های ساختارمندند که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها رخ می‌دهد. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی کردن کودک در دوره کودکی و نوباوه‌گی است و عوامل مهم دیگر عبارت‌اند از گروه‌های همسالان، مدارس و رسانه‌های همگانی (همان: ۱۱۵).

جامعه‌پذیری را از مهم‌ترین کارکردهای خانواده بر شمرده‌اند. افراد در این فرایند، نگرش‌ها،

ارزش‌ها و کنش‌های مناسب را به‌منزله عضوی از یک فرهنگ خاص می‌آموزند و در می‌یابند چگونه به‌منزله عضوی از جامعه، نقشی فعال و تأثیرگذار ایفا کنند. تحقق جامعه‌پذیری مطلوب در گرو پرورش روحی و شخصیتی مناسب و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی و مهارت رویارویی با مشکلات و بحران‌هاست (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۳۳).

برخی جامعه‌شناسان، تعلیم و تربیت دینی را که به‌معنای فرایند انتقال معارف و ارزش‌های یک مذهب خاص به فرد است از کارکردهای خانواده به‌شمار آورده‌اند که با اندکی تسامح می‌تواند در ذیل عنوان جامعه‌پذیری گنجانده شود. کودکان با فراگیری داستان‌ها، اعتقادات و اعمال مذهبی خانواده، ابزار مورد نیاز برای شکل‌دادن به ذهنیت‌های خود نسبت به پرسش‌های اساسی زندگی را به‌دست می‌آورند (بستان، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

گفتنی است که فرایند جامعه‌پذیری کودک در خانواده از نخستین روزهای تولد کودک آغاز می‌شود و حتی برنامه شیردهی به کودک - شیردهی منظم و طبق زمان‌بندی یا شیردهی در موقع درخواست کودک - بر شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد.

با توجه به این که جامعه‌پذیری کودکان به‌وسیله خانواده، بهترین و کامل‌ترین شکل جامعه‌پذیری کودکان است، بنابراین برای تعیین بهترین شیوه جامعه‌پذیری کودکان در اسلام، باید نظام ارزشی اسلام به‌طور عام و اهدافی که اسلام از ازدواج و تشکیل خانواده، دنبال می‌کند، به‌طور خاص مورد توجه قرار گیرند.^۱

با عنایت به آموزه‌های اسلام و بهره‌گیری از آیات و روایات می‌توان به این برداشت کلی رسید که با توجه به استعدادهای طبیعی و روانی والدین و احساس تعهد آنان در قبال فرزندان و نیز به‌لحاظ دیگر کارکردهای مثبت فردی و اجتماعی خانواده که اسلام به آن توجه دارد، تربیت در محیط خانواده نسبت به شیوه‌های دیگر جامعه‌پذیری کودکان اولویت ویژه دارد.

از آن جا که خانواده نخستین و اصلی‌ترین عامل اجتماعی کردن فرزندان به‌شمار می‌آید، ضروری است پدران و مادران بر اساس آموزه‌های اسلام بتوانند روابط گرم و صمیمی با یک‌دیگر و دیگران برقرار کنند؛ چرا که این امر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در خانواده خواهد انجامید و در عمل، خواهند توانست بر فرایند اجتماعی شدن فرزندان تأثیرگذار باشند. با آموزش عملی والدین، فرزندان در گام بعدی روابط صمیمی با انسان‌های دیگر را خواهند آموخت که این امر نیز به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برون

۱. برای نمونه نک: عیسی‌زاده، ۱۳۹۰- داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹.

گروهی منجر خواهد شد که آثار و نتایج آن به جامعه اسلامی باز خواهد گشت.

ج) اوقات فراغت (leisure)

خانواده، نقطه تمرکز کلیدی در تجزیه و تحلیل‌هایی به‌شمار می‌آید که در باب فعالیت در اوقات فراغت زنان انجام می‌گیرد؛ زیرا نقش زنان در زندگی خانوادگی بر تجربه و گزینش فعالیت اوقات فراغت تأثیر بسزایی دارد. در روایات معصومین (ع) درباره اوقات فراغت و چگونگی بهره‌گیری و استفاده بهینه از آن تأکید بسیار شده است. برای نمونه، حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

مؤمن را در برنامه زندگی سه زمان مشخص است: زمانی که در نیایش با پروردگارش می‌گذرد، زمانی که در آن معاش خود و نیازمندی‌های زندگی را اصلاح می‌کند و زمانی که بین خویش و لذت و خوشی آنچه حلال و نیکوست، آزاد می‌گذارد. خردمند را سزَد که جز در پی سه چیز نرود: زندگی را سروسامان دادن، یا در کار معاد گام نهادن و یا گرفتن کام از چیزهای حرام (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰).

همچنین امام کاظم (ع) در روایتی به تقسیم اوقات زندگی به چهار بخش تأکید کرده و می‌فرمایند:

تلاش کنید که وقت شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای کار زندگی، ساعتی برای معاشرت با برادران و اشخاص مورد اعتماد که شما را از عیب‌هایتان آگاه کنند و از دل با شما خالص و یک‌رو باشند و ساعتی که در آن برای لذت‌های غیر حرام خویش خلوت کنید (اوقات فراغت) و با این وقت برای دیگر اوقات نیرو بگیرید (حزانی، ۱۳۸۸: ۷۴۸).

آنچه در آموزه‌های اسلامی برای تفریح سالم و بازی با کودکان و اهمیت گردش و سیاحت آمده است، در ذیل اوقات فراغت قابل تعریف است که توجه به آن در سبک زندگی تأثیر اساسی خواهد گذاشت و رفتارهایی متناسب با زیست مؤمنانه شکل خواهد گرفت.

یکی از کارکردهای اساسی و مثبت تربیتی-اجتماعی خانواده، اوقات فراغت است که بهره‌گیری درست از آن می‌تواند به شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی بینجامد. با عنایت به

آموزه‌های اسلامی در می‌یابیم که اوقات فراغت و بهره‌گیری مناسب از آن می‌تواند انرژی مثبت و ضروری را برای فرد مسلمان فراهم سازد تا وی با نشاط و شادابی به عبادت و کار و تلاش پردازد و الگویی مناسبی از یک فرد مسلمان به حساب آید.

گفتنی است آسیب‌های مربوط به کارکردهای تربیتی-اجتماعی در خانواده به جهل و نادانی والدین و آلوده بودن آنان به رذایل اخلاقی و تربیتی و عدم ارتباط صحیح با دیگران و بی‌توجهی به استفاده صحیح از اوقات فراغت - به جهت اشتغال بیش از حد پدر و مادر و افراط و تفریط در مدیریت زمان و عدم استفاده بهینه از زندگی روزمره - بر می‌گردد که برای مقابله با آن باید به فراگیری دانش و بهره‌گیری از عقلانیت در زندگی و پرهیز از رذایل و آراستگی به فضایل اخلاقی و تربیتی و استفاده صحیح از اوقات فراغت و برقراری روابط سالم و صمیمی با دیگران پرداخت تا از کارکردهای مثبت تربیتی-اجتماعی در خانواده بهره گرفت.

۳. کارکردهای مراقبتی - حمایتی و کنترلی

از کارکردهای مطرح در خانواده می‌توان به مراقبت از کودکان و سالمندان، حمایت‌های معیشتی، عاطفی و معنوی و کنترل همسران و فرزندان اشاره کرد.

الف) مراقبت از کودکان و سالخوردهگان

از یک سو ناتوانی نوزادان در محافظت از خود تا چندین سال پس از تولد و از سوی دیگر ناتوانی انسان در دوران سالخوردگی و نیز ناتوانی‌های ناشی از نقص عضو یا بیماری، ضرورت و اهمیت مراقبت را بیشتر نمایان می‌کند. مسئولیت قانونی و اخلاقی ایفای این امر در طول تاریخ بر عهده خانواده‌ها بوده است.

در آموزه‌های اسلامی بر وجوب شیردادن مادر به فرزند شیرخوار در مواردی که زندگی نوزاد به شیر مادر شده است، تأکید شده است. در مورد سالمندان نیز بر لزوم احسان به والدین (سوره احقاف: ۱۵؛ سوره نحل: ۹۰ و سوره نساء: ۳۶) و خودداری از هر رفتار و سخنی که موجب رنجش آنان شود، تأکید شده است.

در راستای احیا و تقویت کارکردهای مثبت مراقبتی در خانواده شایسته است از یک سو به نقش ارزشمند مادر در تربیت و پرورش فرزندان در محیط خانواده بها داده شود؛ این امر نه تنها با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و سیره معصومین (ع) امکان‌پذیر است، بلکه در عمل نیز

باید به تشویق‌های عملی مانند بیمه خانه‌داری برای مادران بیانجامد. از سوی دیگر برای تثبیت و تقویت کارکردهای مراقبتی از سالمندان، به‌ویژه پدربزرگ و مادربزرگ‌ها در محیط خانواده و در میان اعضای خویشاوند راهکارهای عملی اندیشیده شود که این امر همدلی و همراهی سازمان‌های دولتی و غیردولتی و خانواده‌ها را می‌طلبد تا امر مراقبت به بهترین وجه در خانواده صورت گیرد که نتیجه مثبت آن به جامعه اسلامی باز خواهد گشت.

ب) حمایت‌های معیشتی، عاطفی و معنوی

خانواده در پهنه تاریخ، یک واحد اقتصادی نیز بوده است که اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی مشترک با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند. در جوامع صنعتی معاصر، خانواده کارکرد اقتصادی خود را در بُعد تولید تقریباً از دست داده و به واحد مصرف کالا و خدمات تبدیل شده است.

در اسلام، حمایت متقابل زن و شوهر از حیث معیشتی به‌عنوان یکی از کارکردهای خانواده مفروض گرفته شده است. تأکید فراوان آموزه‌های اسلام بر ارزش‌هایی چون احسان به والدین و خویشاوندان، همکاری و تعاون در کارهای نیک و صلۀ ارحام در معنای وسیع آن که دربرگیرنده انواع کمک‌ها نیز می‌شود، ابعاد دیگر عنایت اسلام به این کارکرد را به نمایش می‌گذارد.

به باور بسیاری از جامعه‌شناسان، با توجه به این که نهاد خانواده در جوامع صنعتی معاصر بسیاری از کارکردهای پیشین خود را از دست داده است، ولی ارضای نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در این جوامع تضمین کند.

والدین و فرزندان نقش بسیار مهمی در ارضای نیازهای عاطفی متقابل ایفا می‌کنند. اهتمام اسلام به برآوردن نیازهای عاطفی فرزندان و والدین از شواهد فراوانی برخوردار است. از یک سو سفارش‌های فراوان درباره ابراز محبت والدین نسبت به فرزندان و همبازی‌شدن با فرزندان خردسال شده که به‌طور ضمنی بر نقش مهم حمایت عاطفی والدین از فرزندان در رشد شخصیت آنان دلالت دارد و از سوی دیگر سفارش‌های فراوانی نیز نسبت به نیکی و احسان به والدین وارد شده است.

یکی دیگر از کارکردهای مهم و مورد انتظار از خانواده در دیدگاه اسلام، همیاری و حمایت معنوی اعضای خانواده از یکدیگر است. اولیای دین در جهت گسترش فرهنگ در جامعه، عنایت ویژه‌ای به این کارکرد داشته‌اند.

در برخی روایات آمده است که از ویژگی‌های همسر مناسب آن است که همسرش را در بندگی و اطاعت خداوند و انجام وظایف دینی یاری کند (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۱۴ و ۲۴). از جمله ویژگی‌های دوران مدرنیته تغییر و تحدید نهاد خانواده است. این امر به گونه‌ای است که خانواده گسترده، جای خود را به خانواده هسته‌ای داده است. عواملی مانند اشتغال زنان، موجب بی‌توجهی و دست‌کم، کم‌توجهی به کارکردهای عاطفی و معنوی در خانواده می‌شود. برای کم کردن فاصله و پر کردن خلأ به‌وجود آمده نیاز است تا در کنار توجه دادن والدین به ویژه مادر با عنایت به آموزه‌های اسلامی، این کارکرد مثبت به صورت امر نهادینه شده در سطح جامعه اسلامی در بیاید. در این جهت هماهنگی مسئولان فرهنگی و تبلیغات رسانه‌ها به ویژه رسانه صوتی-تصویری می‌تواند راهگشا و کارگشا باشد.

ج) کنترل همسران و فرزندان

کنترل اجتماعی یکی از کارکردهای مهم خانواده است که از راه نظارت مستقیم خانواده بر رفتار اعضا و یا به‌طور غیر مستقیم به‌عنوان پیامد کارکردهایی چون ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، حمایت، مراقبت و جامعه‌پذیری تحقق می‌یابد.

در کنترل همسران، کنترل مستقیم هر یک از دو زوج بر رفتارهای طرف مقابل به‌ویژه رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج، امری است که در بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال به چشم می‌خورد و به شیوه مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌پذیرد.

در شماری از آیات و روایات از ازدواج با کلمه «احصان» تعبیر شده است که از واژه «حصن» به معنای دژ و قلعه مشتق شده و اشاره‌ای تلویحی به این مطلب دارد که هر یک از دو همسر برای دیگری به منزله دژ و قلعه‌ای اند که دیگری را از خطر افتادن در ورطه انحرافات جنسی، نگاه می‌دارند (سوره نساء: ۲۴-۲۵) و همچنین آیه شریفه‌ای (نک، سوره بقره: ۱۸۷) که زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفی کرده، به این نکته اشاره دارد که همچنان که لباس، زشتی‌ها و شرمگاه انسان را می‌پوشاند و موجب زینت و حفظ آبروی او می‌شود، زن و شوهر نیز با ارضای متقابل نیاز جنسی و پیش‌گیری از انحرافات، زشتی‌های هم‌دیگر را می‌پوشانند و به این لحاظ، زینتی برای یک‌دیگراند (قطب، ۱۴۰۸: ۱۷۴).

شایان ذکر است که غیرت‌ورزی جنسی از مؤلفه‌های اخلاق جنسی است که بروز و رشد آن پیش از هر جای دیگری در محیط خانواده به چشم می‌خورد. روایات اسلامی نیز ارزش‌گذاری مثبتی در مورد حالت متعادل این صفت به‌عنوان امری مؤثر در کاهش

کج‌روی‌های جنسی ابراز کرده‌اند.

در مورد نظارت والدین بر رفتار فرزندان، گفتنی است که کنترل صحیح رفتار فرزندان از سوی والدین، افزون بر جنبه عام آن (سوره تحریم: ۶) از جنبه خاص، یعنی کنترل امور جنسی نیز مورد توجه ویژه بوده است. بر اساس روایات، والدین بایستی کودکان خود را از مشاهده صحنه ارتباط جنسی باز دارند؛ زیرا این امر تأثیر فوق‌العاده‌ای بر گرایش کودکان به انحرافات جنسی دارد. تأکید بر آموزش آداب ورود به اتاق خواب بزرگسالان به کودکان و نوجوانان، شدت اهتمام اسلام به این موضوع را بیش از پیش آشکار می‌کند (سوره نور: ۵۸-۵۹). افزون بر این، والدین باید بستر کودکان به‌ویژه دختر و پسر را از دوره پیش از بلوغ از یک‌دیگر جدا کنند.^۱ (بستان، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۴۰).

مطالب مهم و اساسی در کارکرد کنترل و مراقبت همسران از یک‌دیگر و والدین نسبت به فرزندان به کنترل و مراقبت غیر مستقیم همراه با اعتماد و به دور از هرگونه وسواس بر می‌گردد. در صورتی که فضای گفت‌وگو در میان اعضای خانواده به همراه صمیمیت میان زن و شوهر و پدر و مادر نسبت به فرزندان و فرزندان نسبت به یک‌دیگر شکل بگیرد و با اعتماد در کانون خانواده همراه باشد، بسیاری از فاصله‌هایی که امروزه به جهت حضور رسانه‌های متنوع و ایجاد فضاهای مجازی ایجاد شده است را از بین خواهد برد. این امر موجب می‌شود تا خانواده به‌عنوان اولین کانون تربیتی و جامعه‌پذیری جایگاه اصیل خود را باز یابد.

مهم‌ترین نکته در بخش کارکردهای مراقبتی-حمایتی و کنترلی خانواده، توجه به آسیب‌های دوران مدرنیته و جامعه‌های در حال گذاری مانند ایران است که البته با عنایت به آموزه‌های اسلامی و سیره عملی پیشوایان دین و توجه به دو عنصر زمان و مکان، می‌توان به سبک زندگی اسلامی به دور از هرگونه افراط و تفریط دست یافت.

گفتنی است با توجه اساسی به کارکردهای مثبت خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین کانون ورود به جامعه می‌توان بر بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی چیره شد و زمینه‌ها و بستر توسعه و پیشرفت پایدار و همه‌جانبه را فراهم ساخت.

نتیجه‌گیری

خانواده، به‌عنوان اولین، مهم‌ترین و در دسترس‌ترین محیط برای فرزندان، در معرفی سبک

۱. در برخی روایات سن دو سالگی برای آن معین شده است.

زندگی نقش مهمی برعهده دارد و نخستین مرجع برای کودکان و فرزندان به حساب می آید. خانواده با ارتباط چهره به چهره و عاطفی بر شکل گیری هویت فرد تأثیر شگرفی می نهند. اعضای خانواده با حضور همیشگی و طبیعی از ظاهرنمایی به دوراند و ارتباط فراگیر و همه جانبه، مهم ترین پشتوانه معنوی و مادی آنان به حساب می آید.

بر این اساس، نهاد خانواده با کارکردهای متنوع و گسترده اش در عرصه های زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی این ظرفیت و توان را دارد تا بر سبک زندگی انسان ها تأثیر بگذارد. آموزه های اسلامی نیز با عنایت ویژه به خانواده و توجه به کارکردهای آن، کلیت سبک زندگی اسلامی یا زیست مومنانه را مشخص می کنند، هر چند ممکن است ویژگی «انتخابی بودن سبک زندگی» که متناسب با ذوق و سلیقه هر فرد یا هر خانواده است، متفاوت باشد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار کارکرد خانواده در دوران ماصصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۳. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۴. باربو، ایان (۱۳۹۲)، دین و علم، ترجمه: پیروز فطورچی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. بستان‌نجفی، حسین (۱۳۹۰ الف)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. _____ (۱۳۹۰ ب)، خانواده در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهشتی، احمد (۱۳۷۷)، خانواده در قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
۹. تامسون، کنت (۱۳۸۷)، دین و ساختار اجتماعی، ترجمه: علی بهرام پور و حسن محدثی، تهران: انتشارات کویر.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم: اسراء.
۱۱. حرّانی، ابو محمد (۱۳۸۸)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: آل علی.
۱۲. شیخ حرّاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۳. حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی خانواده (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۱۴. حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۹۲)، الحیاة، قم: دلیل ما.
۱۵. داوودی، محمد و حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. رضوی‌زاده، سید نورالدین (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
۱۹. _____ (۱۳۷۵)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ج ۱، تهران: کیهان.

۲۰. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۶)، تحلیلی اجتماعی از صلح رحم، قم: بوستان کتاب.
۲۲. شکر بیگی، عالیه (۱۳۸۹)، مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۳. شیروانی، علی (۱۳۸۶)، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات دارالفکر.
۲۴. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۲)، نهج البلاغه، تهران: انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی.
۲۵. صالحی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی و الرشاد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۸. علینی، محمد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۲۹. عیسی‌زاده، عیسی (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی، قم: بوستان کتاب.
۳۰. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۳۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۳۲. فنایی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، دین در ترازوی اخلاق، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۳۳. قطب، سید محمد (۱۴۰۸ق)، فی ظلال القرآن، لبنان و مصر: دارالشروق.
۳۴. کاویانی، محمد (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. گبینز، جان آر و بوریمر (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه: منصور انصاری، تهران: گام نو.
۳۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء العربی.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، تعلیم و تربیت از نظر اسلام، قم: نشر صدرا.
۴۰. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۴۱. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۲. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، لبنان: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۴۳. ویر، ماکس (۱۳۷۴)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.

۴۴. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.

۴۵. هیود، لس و همکاران (۱۳۸۰)، اوقات فراغت، ترجمه: محمد احسانی، تهران: امید دانش.

46. Burgess, E. W. : *Locke, H. j (1953), Family*, New york, American Book co. 2nd edn.
47. Lee, David and Howard Newby (1995): *The Problem of sociology*, London and New York: Routledge.
48. Maclver, R. M (1977), : *Society: A tentbook of Sociology*, New york: Farrar and Rinehart.
49. Mitchell, G. Duncan(ed.)-(1977), *A Dictionary of sociology*, London and Henley: Rout ledge and kegan Paul..